



آرایه‌ها و تجزیه تحلیل نقوش گلیم در استان کهگیلویه و بویراحمد

پری نوروزیان*^۱، فاطمه جاودان خرد^۲، سکینه انوری^۳، مسلم متقی زاده^۴

چکیده

مردمان و هنرمندان دیار کهگیلویه و بویراحمد همانند بومیان مناطق و اقلیم‌های مختلف، با توجه به فرهنگ و شرایط محیطی و اقلیمی خاص محل زندگی خود سلايق متفاوتی در نحوه کارگیری از نقش‌ها و رنگ‌ها در پوشاک، وسایل زینتی و همچنین زیبا سازی محیط خود اعمال می‌کنند. در واقع منشاء این سلايق و انتخاب، باور و اعتقادات خاص بومیان این منطقه از ایران است که خود به نوع زندگی و ارتباط آنان با طبیعت پیرامون باز می‌گردد و به صورت نقوش و رنگ‌های الوان در تولیدات دستی و سنتی این دیار مشاهده می‌شود. نقش و رنگ به کار رفته در آثار و تولیدات این منطقه بیشتر ملهم از طبیعت پیرامون بوده که در نهایت با پرداخت ذهنی فرد بومی در آثار تجلی می‌یابد. گاهی نیز شباهت‌هایی میان این نقوش و نقوش به کار رفته در آثار به جای مانده از قرن‌ها پیش به چشم می‌خورد و بعضاً شباهت‌هایی نیز با نقوش بکار رفته در آثار تولید شده در مناطق دیگر مشاهده می‌شود که با توجه به موارد گفته شده و گستردگی نقوش، سعی شد تا در حد توان و اقتضائات زمانی به بررسی این موارد در بستر نقوش به کار رفته در گلیم این استان پرداخته شود. در این مقاله سعی بر آن است تا با در نظر گرفتن عوامل دخیل در آفرینش دست‌بافته‌های محلی مانند طبیعت، فرهنگ و آداب و رسوم و با ریشه‌یابی نقش و رنگ در این آثار هنری، نحوه‌ی شکل‌گیری، تغییر و نشانه‌شناسی دست‌مایه کار قرار گیرد و با نگاهی موشکافانه و تأمل‌برانگیز به تجزیه و تحلیل رنگ و نقوش در دست‌بافته‌های زادگاهم به خصوص گلیم‌های منطقه‌ی بویراحمد بپردازم و در همین راستا نزدیکی و ارتباط این مقوله‌ها را با طبیعت و یا فرهنگ و آداب و رسوم آشکار نموده و مورد بررسی و تحلیل قرار دهم.

واژگان کلیدی: کهگیلویه و بویراحمد، نقوش، گلیم

^۱ نویسنده مسئول: لیسانس، کارشناس حرفه‌ای تربیت مربی پیش‌دبستانی، دانشگاه علمی کاربردی یاسوج، prynwrwzyan012@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور یاسوج، fatemeh.javadankhord.1400@gmail.com

^۳ کارشناسی، رشته تربیت مربی پیش‌دبستانی، دانشگاه علمی کاربردی، sakinehanvari^@gmail.com

^۴ کارشناسی ارشد، رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی - برنامه ریزی و مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد واحد یاسوج، muslim.motaghizadeh1400@gmail.com

۱- مقدمه

صنایع دستی در هر منطقه ای مبین تاریخ، هنر و فرهنگ مردم آن منطقه است. یکی از شاخه های این هنر، گلیم بافی است که با شیوه ها و تکنیک های مختلف بافته می شود. هر یک از مناطقی که مردم آن به این حرفه مشغول اند بر مبنای اصول و قواعدی این بافته ها را تولید می کنند که با دیگر مناطق متفاوت بوده؛ و این تفاوت ریشه در فرهنگ و سنت هر قوم دارد. فرهنگ و سنت هر ناحیه ای که از طریق بافته ها منتقل گردیده است، زمینه ساز اختلاط فرهنگی بوده و جهت جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی، شناسایی ویژگی گلیم ها در هر منطقه حائز اهمیت است. منطق های که در این پژوهش مدنظر بوده، استان کهگیلویه و بویراحمد است که یکی از قطبهای مهم تولید گلیم در ایران محسوب می گردد. اصلی ترین مسئله ای که در انجام این پژوهش بوده است، اهمیت منطقه مدنظر در تولید دستبافته های مذکور یعنی انواع گلیم بافت ها است. این استان از گذشته تا حال در زمینه تولید و فروش گلیم ید طولانی داشته است ولی متأسفانه اطلاعات چندانی در منابع مکتوب و مدون در زمینه این تولیدات یافت نمی شود و کمتر به این منطقه پرداخته شده است. این نشان می دهد اهمیت منطقه که هم در تولید داخلی و هم ارتقای تجارت جهانی این نوع بافته ها سهم عمده ای داشته، نادیده گرفته شده است. یکی از شاخصه های گلیم استان کهگیلویه و بویراحمد نقش مایه های تزئینی آن است که می تواند معرف سنت و باورهای بافندگان منطقه باشد. نبود اطلاعات کافی در این زمینه باعث گردیده تا بخشی از این نقوش که مربوط به حاشیه گلیم بافت هاست، مورد مطالعه قرار گیرد.

بی شک نقوش گلیم استان کهگیلویه و بویراحمد که شامل نقوش گیاهی، جانوری، انسانی و هندسی می باشند در سیر آفرینش و دگرگونی خود در گذر زمان همواره ملهم از طبیعت پیرامون، باور ها و عقاید، آداب و رسوم و الهام و از وام گیری از داشته های فرهنگی دیگر اقوام بوده اند و می توان این فاکتورها را به عنوان ریشه های بنیادین این نقوش در نظر گرفت. در این پژوهش سعی بر آن است تا با در نظر گرفتن عوامل دخیل در آفرینش دست بافته های محلی مانند طبیعت، فرهنگ و آداب و رسوم و با ریشه یابی نقش و رنگ در این آثار هنری، نحوه ی شکل گیری، تغییر و نشانه شناسی دست مایه کار قرار گیرد و با نگاهی موشکافانه و تأمل برانگیز به تجزیه و تحلیل رنگ و نقوش در دست بافته های زادگاهم به خصوص گلیم های منطقه ی بویراحمد بپردازم و در همین راستا نزدیکی و ارتباط این مقوله ها را با طبیعت و یا فرهنگ و آداب و رسوم آشکار نموده و مورد بررسی و تحلیل قرار دهم

۲- روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی بوده و روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات با استفاده از دو روش میدانی و کتابخانه های صورت گرفته، ولی بخش عمده روش تحقیقات میدانی انجام یافته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کارگاه های تولید گلیم، روستاییان بافنده و مکان های فروش این دستبافته ها تشکیل می دهد که تصادفی انتخاب شده اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده در این پژوهش با استفاده از روش استقرایی انجام گرفته است. اوضاع گلیم بافی در استان کهگیلویه و بویراحمد یک تعریف کلی که می شود از گلیم بیان کرد: گلیم، بافت های است بدون پرز که از درهم تنیده شدن تار و پود به وجود آمده است. این هنر از ساده ترین روشهای بافندگی به وسیله الیاف های و حیوانی آغاز شده و رفته رفته پیشرفت نموده است از آنها گاهی در متن نیز بافته می شود.

۳- پیشینه پژوهش

آنچه ضرورت انجام این تحقیق را مشخص می نماید، نبود منابع مکتوب در این زمینه است. تحقیقات محدودی که صورت گرفته، بدین شرح است.

«شناخت گلیم»، به مفاهیم نمادین نقوش در بافته ها اشاره نموده ولی استان کهگیلویه و بویراحمد که مدنظر این پژوهش بوده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چیت سازیان و همکاران (۱۳۸۸)

سید فیض الله افزای زاده، دانشنامه فرهنگ و تمدن استان کهگیلویه و بویراحمد، دست بافته های استان، اصفهان، بهتا پژوهش، ۱۳۹۱/ در این کتاب نگارنده تلاش کرده است تا با نگاهی اجمالی و گذرا به تاریخ و فرهنگ استان کهگیلویه و بویراحمد، اقدام به گردآوری و معرفی صنایع دستی و انواع دست بافته های استان کرده و ابزار و تولیدات عشایر این استان به صورت اجمالی معرفی شده است. علیمراد فریدونی، رساله ی پایان نامه، دانشگاه شاهد، مقطع کارشناسی، ۱۳۷۸ / در این رساله با نگاهی به جغرافیا و فرهنگ استان کهگیلویه و بویراحمد به بررسی نقش رنگ در زندگی، باورها، آداب و رسوم، آئین ها و مراسم، هنر، صنایع دستی و پوشاک پرداخته شده است.

مریم شروانی، رساله ی پایان نامه، دانشگاه شریعتی تهران، بررسی قابلیت های نقوش دستبافته های استان کهگیلویه و بویراحمد در دیزاین گرافیک تبلیغاتی، ۱۳۸۹ / در این رساله با بررسی ساختار بصری نقوش نمادین استان کهگیلویه و بویراحمد جهت کاربرد در دیزاین تبلیغاتی از جمله طراحی نشانه، پوستر، کاغذ کادو و ... پرداخته است.

در منابع یادشده، مطالعات اندک و ناقصی در خصوص نقش مایه های کاربردی استان کهگیلویه و بویراحمد انجام یافته است و در زمینه نقوش مورداستفاده در حاشیه ها مطلبی به چشم نمی خورد. در صورتی که در این مقاله سعی بر آن است که بیشتر نقوش حاشیه ای پرکاربرد این استان هم به صورت ظاهری و هم به صورت مفهومی و نمادین مورد مطالعه قرار گیرد.

۴- تعریف گلیم

«همانطور که گفته شده گلیم از زیر مجموعه های فرش ایران است. در حال حاضر گلیم وسیله ای است که به عنوان زیر انداز و در برخی موارد به عنوان پرده و حایل در چادرها و محل های عمومی مانند قهوه خانه ها و نیز در تهیه لوازم زندگی و کار، مانند رختخواب بند (چادر شب) سجاده - خورجین، جوال و دیوراهای چادر- جل اسب پشتی - سفره و... استفاده می شود.» (افزای، ۱۳۹۲، ص ۵۸)

«واژه گلیم به طور ساده یک فرش با بافت صاف یا یک نوع قالی بدون کرک با خواب گره خورده است نام این فرش در زبان های مختلف به انواع بسیار گوناگونی استعمال می شود.»

از موی بز^۵ برای ساختن چادرها (موی بز از موی گوسفند خشک تر و سفت تر است بنابراین چادر ساخته شده از موی بز تقریباً ضد آب است) و همچنین پوشش برای کف چادر استفاده می کردند که از رد شدن رطوبت جلوگیری می کرد و آن را گلیم می نامیدند. بافت گلیم در اصل یک هنر دستی است که سلايق و نقش مایه های سنتی آن با رنگ ها و خطوط متنوع در طراحی داخلی خانه های امروزی بازتاب می یابد.» (افروغ، شماره ۱۷۲، ص ۹۴)

معنای گلیم در فرهنگ و بستر عبارت است از پوشش یا قالیچه دست بافت دو روی بدون کرک و پرز که در ترکیه - ایران - ترکستان غربی و آذربایجان بافته می شود. و تعریف گلیم در دایره المعارف بریتانیا عبارت است از پوشش دست بافت بدون کرک برای کف اتاق که با تکنیک های قالیچه های پرده ای پودنما در آناتولی، بالکان و قسمت های از ایران بافته می شود. در قسمت های از ایران، قفقاز و ترکستان به چنین بافته های نام پالاز اطلاق می شود.

گلیم. کلمه ای با ریشه ترکی، به بافت های بدون کرکی اطلاق می شود که کاربردهای بسیاری دارد و با یکی از تکنیک های تخت بافی تولید می شود.» (همان ص ۹۵)

^۵ - موی بز از موی گوسفند خشک تر و سفت تر است بنابراین چادر ساخته شده از موی بز تقریباً ضد آب است

«همانطور که قبلاً گفته شد این واژه فارسی است و در ابتدا به جامه درشت پشمین گفته می‌شود. ولی در حال حاضر گلیم بافته ای است داری و بدون پرز که با نخ پشمی و گاه نخ ابریشمی به عنوان تار از نخ پشمی رنگارنگ و گاه نخ ابریشمی الوان به عنوان پود استفاده می‌شود.» (فناپی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹)

«کارشناسان دریافته‌اند که گلیم در آغاز برای محافظت بدن از سرما بکار می‌رفته و تولیدات اولیه به صورت ساده و بدون هیچ گونه طرح و نقش منظم بافته می‌شده است.» (دادور، ۱۳۸۸، ص ۳۹)

۵- گلیم در استان کهگیلویه و بویراحمد

«به دلیل در دسترس بودن پشم در استان کهگیلویه و بویراحمد گلیم بافی یکی از هنرهای دستی قابل اعتنا در این منطقه به حساب می‌آید. گلیم تولید شده در استان کهگیلویه و بویراحمد با ابزارهای کاری مشابه در سایر نقاط ایران بافته می‌شود، البته بدلیل محدودیت تولید، گلیم کهگیلویه و بویراحمد بیشتر به رفع نیازها منطقه می‌رسد و کمتر به بازارهای فروش عرضه می‌شود. به همین دلیل گلیم بافی در کهگیلویه و بویراحمد جزو صنایع هنری محسوب می‌شود که رواج چندانی نیافته و به آن کمتر توجه شده است.» (افرازی، ۱۳۹۲، ص ۵۸)

«نقشینه های گلیم و رنگ های بکار رفته در نخ و الیاف گلیم معمولاً منعکس کننده ی شرایط محلی و اقلیمی، آب هوای محل زندگی استاد کاران بافنده و علایق و باورهای آنان است. با توجه به این امر نقوش بکار گرفته شده دریافت گلیم در ایران خطه از ظرافت و تنوع کم نظیری برخوردار است و اگر چه نقوش گلیم در این خطه از نقشینه های هنری سایر نقاط ایران بهره جسته است ولی تنوع در اشکال و رنگ های آن گواه روشنی بر ذوق خلاق هنرمندان بومی و زیبا شناختی عامیانه بافندگان این استان است. نقوش دست یافته های کهگیلویه و بویر احمد به طور کلی در قالب نقوش انتزاعی، نقوش تزیینی، نقوش فیگوراتیو صورت می‌پذیرد. این نقوش غالباً با بیانی نمادگرا و آرمانی جلوه گر می‌شوند.» (همان، ص ۵۹)

نقوش این دست بافته ها بیشتر ذهنی است و شکل‌های این دست بافته ها بیشتر از طبیعت زیبای اطراف زندگی خود گرفته شده است.» (صفایی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲)

«کهگیلویه و بویر احمد یکی از مناطق باستانی ایران است که از سالیان سال مهد فرهنگ و تمدن بوده است. در این منطقه آثار باستانی قابل توجهی به دست آمده است. یکی از قدیمی ترین رشته های فعالیت بشر را دست بافته های مانند فرش و گلیم تشکیل می‌دهند که برای پوشش محل زندگی خود استفاده می‌کردند.» (افرازی، ۱۳۹۱، ص ۴۹)

«استاد کار در بافت گلیم تمام تلاش خود را برای هماهنگی نقش و رنگ در عین تنوع به کار می‌برد تا کاری زیبا فریبنده و روح نواز ایجاد کند. نقوش و طرح های گلیم همچون تابلوی بی بدیل زینت بخش خانواده ها بوده و هست. نقوش گلیم چه نقوش سنتی و چه نقوش جدید و ابتکاری با عشق و ذوق نقش زده شده اند. در طرح نقش گلیم تبحر خلاقیت، ابتکار و نوآوری استاد کار بافنده، نقشی تعیین کننده ایفا می‌کند. مهمترین ویژگی نقوش عامیانه در آثار دستی کهگیلویه و بویراحمد چشم نواز بودن، هماهنگی تناسب رنگ و فرم، ترکیب بندی قرینه و بیان تجریدی نقوش، سادگی و بی پیرایگی در عین سادگی آن است.

با بررسی نقوش دستی استان کهگیلویه و بویراحمد به این امر می‌رسیم که اغلب سازندگان، استاد کاران و هنرمندان این آثار علاوه بر جنبه زیبایی و تزیینی اثر به بیان باورها، عقاید علایق و افکار خود را در آنها پرداخته اند. این نقوش به صورت ساده و بی پیرایه تجلی یافته اند. این نقوش از دانایی و تبحر هنرمندی بی نام و نشان روستانشین کهگیلویه و بویر احمد خبر می‌دهد که روح بی آرایش خود را با طبیعت وجودش در این طرح و نقش ها متجلی ساخته است.

نقوش هنرهای دستی این استان تقریباً با تفاوت اندکی در همه دست بافته های آنان به صورت یکسان تکرار می‌شوند. تکرار یک شکل یا نشانه بیانی از نیروهای خارق العاده و سحرآمیز دارد و قدرت کارایی آن را افزایش می‌دهد. رنگ دست بافته ها یا نقوش نیز شاد و پر تاللو است. بدون شک تنوع و شادابی رنگ ها متأثر از محیط و فضای زندگی بافندگانشان است.

همانگی و ترکیب بندی متوازن شایسته در رنگ و باریک بینی است. هنگام تماشای این نقش و نگارها، دیدگان ما را از جایی به جایی و از نقشی به نقش دیگر کشانده می شود که دنیایی پر از حرارت و انرژی را در این نقوش می توان تجربه کرد.» (همان، ص ۵۰)

«در بیشتر گلیم ها نقوش گیاهی دیده می شود که نشانه علاقمندی هنرمندان بافنده به زیبایی های طبیعت است و بخشی از نقوش، تداوم نقوش اساطیری است که ریشه در باورهای گذشته دارد.» (همان، ص ۶۰)

«گلیم در خانواده ها همیشه به عنوان بخشی از جهیزیه و مهریه عروس نقش عمده ای داشته است. مراسم ازدواج و وضع زندگی عشایر، انتقال انواع گلیم های سنتی را به عنوان ارث تقاضا می کرد. همچنین گلیم در خانه به روش سنتی برای فرش کف خانه - بالش و پستی و ناز بالش، کیسه های انباری، بستر و مقاصد رسمی و پذیرایی بکار می رفت.» (همان، ص ۶۱)

«هم اکنون زنان و دختران جوان این دیار پا به پای مردان سختکوش خود انواع دست بافته ها را می بافند. امروزه کمتر زوج جوانی را می بینیم که هنگام ازدواج در جهیزیه خود صنایع دستی نداشته باشد. هم اکنون در روستاهای سادات محوری به عنوان روستاهای نمونه و دارای صددرصد بافنده در سطح استان در زمینه گلیم بافی هستند. این روستاها در سال های ۷۲ و ۷۳ به ترتیب رتبه های برتر کشور را در زمینه تولید گلیم و گبه را داشتند غیر از رشته های گلیم بافی، گبه بافی، جاجیم بافی، رشته های سبد بافی و انواع دست بافته های دیگر به عنوان هنرهای سنتی و صنایع دستی این دیار شناخته شده است.» (زیبایی های طبیعت دنا گردشگری استان ص ۴۱) بطوری که گفته شد در استان کهگیلویه و بویراحمد محصولات مختلفی بافته می شود که در هر نمونه نقوشی برای زیبایی آن بافته خودنمایی می کند و این خود عاملی شده برای شناسایی هر بافته با توجه به نقش آن بافته ها. در این استان از میان بافته ها گلیم از همه بیشتر بافته می شود که هر نقش دارای نام و نشان خاص خود و از لحاظ فرم و رنگ دارای تنوع زیادی است که اکثر نقوش به صورت اشکال هندسی و برگرفته از طبیعت موجود هم از لحاظ فرم و هم از لحاظ رنگ و بنابر سلیقه بافندگان که زنان ایلی و عشایری می باشند بر روی بافته گلیم نقش بسته اند. هر بافنده بنابر آزادی عمل و ذوق و سلیقه ای که دارد طرح پشتیبان را تغییر داده یا آن را کم و زیاد می کند از این رو نقوش گلیم ها بسیار متنوع و غیره قابل شمارش است که در این بخش به معرفی و تجزیه و تحلیل نقوش گلیم استان (بویراحمد) می پردازیم.

۶- ساختار طرح و نقوش گلیم بافت ها

آنچه در گام نخست در مشاهده یک گلیم مشهود خواهد بود، ساختار آن بافته است. این قالب شامل نوع طرح متن و تعداد حاشیه بوده که هر دو مورد متأثر از سنت قوم بافنده است. به طوری که در برخی مناطق طرح هایی برای متن به وفور یافت می شود و در برخی منطقه ها کمتر حتی تعداد حاشیه ها نیز نسبت به منطقه بافت، کم و زیاد می گردد. پس از مشخص نمودن این چهارچوب ها برای بافته های هر منطقه، نوبت به نقش ها کاربردی در آنها می رسد که یکی از بهترین روش های شناسایی مکان این دستبافته هاست. آنچه در این پژوهش مطرح است، شناسایی و بررسی این نقش ها در گلیم بافت های استان کهگیلویه و بویراحمد خواهد بود.

در کل، نقش هایی که در گلیم کاربرد دارند به سه دسته تقسیم می شوند. یک گروه، نقش هایی هستند که به آگاهی های زیباشناختی بافنده اشاره دارد؛ آنچه را در محیط اطراف زیبای بینند و در پی نشان دادن این زیبایی در بافته های خود برای شکیلتر کردن آنها هستند، می بافند. دسته دیگر، نقش حیوانات و لوازم کاربردی است که در زندگی روزمره خود به آنها وابستگی داشته و جزئی از زندگی آنها محسوب می گردد. دسته سوم، عناصر نمادینی است که ریشه در باورهای قومی و قبیله ای افراد دارد. هدف از بافت آن ها به تسخیر درآوردن طبیعت و نیروهای آن و استفاده از برخی نقوش به عنوان طلسم و دستیابی به امیال و آرزوهاست. جهت دفع نیروهای شر نظیر نیل به قدرت و شجاعت، استقامت، باروری، باران طلبی و حاصلخیزی، حیات و سرسبزی، طول عمر و تکامل. این اعتقادات، ریشه در باورهای قومی و قبیله ای هر منطقه داشته و اغلب آنها از گذشته تا حال سینه به سینه حفظ گردیده اند.

۱-۶_ نقوش گیاهی

«این نقوش نمونه‌های دیگری از نقش آفرینی بر روی دست بافته هاست که با توجه به طبیعت بسیارزیبای منطقه و تنوع درختان در مناطق مختلف از نقوش گیاهان و درختان متنوع استفاده و از طبیعت الهام گرفته شد و آنقدر ساده شده اند که تنها با چند خط طراحی می شوند. در این گونه (تصویرسازی) درخت سرو چیزی در حد یک مثلث پرستو و ماهی در حد یک نیم کمان در می آیند و بهم می پیوندند. اغلب نگاره های صنایع دستی (گلیم) فاقد نقشه شطرنجی است و به صورت ذهنی بافته می شوند. گیاهان و گل ها در شکل های مختلف از جمله تجرید شده و به صورت شال روی بافته های استان خودنمایی می کنند. از جمله این نقوش نقش گل کلمی، که با گل شاه عباسی نقش گل و بلبل همخوانی دارد، گل پنج پرو چهارپر، گل خوره هریک به شکل های مختلف بر روی محصولات بافته می شوند. سرو، کاج و صنوبر از جمله نگاره های گیاهی موجود در گلیم ها هستند و نقش بته جقه ای نیز از نقوش دیگر گیاهی است که در حاشیه بعضی از بافته ها مشاهده می شود و نکته حائز اهمیت این است که بته جقه به عنوان سنبل زندگی در طرح های بیشتری اعم از گلیم و پارچه رسوخ کرده است.

۲-۶_ نقوش هندسی

«همانگونه که قبلا گفته شده انسان با تمایلی که به نمادپردازی دارد اشیاء و اشکال را به نمادها تبدیل می کند و آنها را در تمامی زمینه های هنری و فرهنگی و آداب و رسوم به ویژه هنرهای بصری بیان می کند. در بین اشکال هندسی دایره کامل ترین شکل هندسی است و در نمادگرایی تمام دوره های تاریخی اهمیتی ویژه داشته است. این شکل تمامیت روان انسان را در جنبه های مختلف از جمله رابطه میان انسان و طبیعت بیان می کند. دایره علاوه بر مفهوم کمال، نمادی از خلق جهان و نیز مفهوم زمان است. زمانی که به عنوان مجموعه ای از لحظه های پی در پی به دنبال هم تکرار می شوند. در آئین تصاویر بودایی نمادی از آخرین مرحله تکامل درونی یا هماهنگی معنوی است. در اساطیر ایرانی دایره، کره و نیم کره هریک نماد میترا هستند و سهم وسیعی در نمادپردازی دارند. این ها براساس دایره ماندالاها طراحی شده اند.

۳-۶_ نقوش جانوری

«نقوش جانوری از جمله نقش هایی است که به طور مسلط و مکرر در بسیاری از تمدن های باستانی از جمله ایران مشاهده شده است. فیلسوف شهیر کاسیر بر این اعتقاد است که در سیر پرستش بشر ابتدایی، شاهد آنیم که در مرحله ای بشر، جانوران را مقدس می شمرده و می پرستیده است، مانند پرستش انواع پدیده ها و چیزهایی که در محیط پیرامونش با آنها روبه رو می شد و کاسیر از آنها به عنوان خدایان لحظه ای یاد می کند و به مرور این پرستش به سوی خدایان کارکردی (براساس منافع و کارکردشان در زندگی) سوق می یابد (کاسیر - ۱۹۷۵، ۷۵-۷۶) بنابراین جانوران براساس استفاده ی بشر از گوشت، پوست، استخوان و به طور کلی منافع بسیارشان، و از سویی ترس از درنده خوبی یا صفات مرگ بار آنها مقدس شمرده شده و پرستش می شدند و شکلی جادویی و به عبارتی قدرت های الهی یافته اند. اما در این امتداد بشر، با درک بیشتر از خویش در ابتدا خود را در شکل و قالب جانوران و سپس جانشین آنان می بیند. بر این اساس در روند تاریخ هنر با ایزدان و ایزدبانوانی با شکل های حیوان، انسان-حیوان و انسان مواجه می شویم. و از سوی دیگر بشرکهن با استفاده از جادوی هومیوپاتیک (قانون شباهت) حیوانات را جهت جادو و شکار آنها و افزایش تعدادشان و از سویی برای استفاده از قدرت خدای گونه ای آن ها تصویر می کرد که به صورت حیوان، انسان و حیوان و انسان در دست ساخته های دوران باستان مشاهده می گردند.» (فریزر، ۱۸۹۰ ص ۱۲۰) از جمله نقوش ایزدبانوان که به همراه یا شکل های حیوانی و یا دارای اعضای از آنها مشاهده می شوند. نقوش

جانوری از جمله نقش هایی است که به طور مسلط و مکرر در بسیاری از تمدن های باستانی از جمله ایران مشاهده شده است. در بین نقوش جانوری، نقوش حیوانی که گستردگی بیشتری در بین بافته ها دارد که در قالی، گبه و گلیم کاربرد دارد و به همین دلیل است که گاه اسم بافته ای را با نقش خاص به کاررفته و در آن همراه می سازند و مثل گبه های شیری و یا شکاری یا گلیم پروانه ای. در میان این دست از نقوش درگبه و مخصوصا در گلیم نقوش هم به صورت تجریدی و هم به صورت انتزاعی درحالات مختلف بافته می شود. شیر از موجوداتی است که در عشایر جنوب مورد علاقه مردم و نشانه جنگجویی است و مردم با هنرهای موجود از این حیوان قدردانی کرده اند و آن را بزرگ شمرده اند و نگه داشته اند. تندیس های بیشتری که تا چندسال پیش بعد از مرگ یک جوان دلیر یا رزمنده سلحشور با سنگ تراشیده و روی قبرش گذاشته می شد و یا حداقل کاری که برای تجلیل از قدرت وی می شد و روی سنگ قبرش نقش شیر را همراه با اسب سواری و تفنگ به دست حک می کردند. و در میان نقوش جانوری نقوش انسانی بیشتر در قالی، گبه و گاه گلیم و گچمه کاربرد دارد که به شکل عروس های مختلف بر روی محصول بافته می شود. در بخش دیگر نقوش حیوانات با صلابت مثل بز و قوچ و کل و میش کوهی بوده که ایستادگی و نگاه آنها حتی به تارو پود خشک و بی روح بافته عشایر جان بخشیده و آن بافته را با صلابت و استوار و قابل احترام می نماید. و از دیگر نقوش حیوانی نقش پرندگان است. کبک و بلبل از جمله پرندگانی هستند که در ادبیات عامیانه و کلاسیک منطقه به وفور به نیکی از آنها یاد می شود. گل و بلبل از دیگر نقوش رایج بر روی دست بافته هاست. (هاشمپور، ۱۳۷۵ ص ۹۶)

۶-۴_ نقش پرنده

«در روستاها و در بین عشایر به واسطه ارتباط نزدیک و تنگاتنگی که با طبیعت دارند و محیط پیرامون آن ها مملو از عناصر، حیوانات (شکل ۱) و به خصوص پرندگان مختلف است. و این در دست بافته های آنان جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است و از میان پرندگان کبک، بلبل، پروانه و طاووس جایگاه ویژه ای دارند البته طاووس اگر که ممکن است در استان پیدا نشود و یا تا کنون بافته ای آن را به چشم خود ندیده باشد. اما به واسطه جایگاه آن در بین مرغان و ادبیات فارسی و افسانه های مختلفی که زبان به زبان و سینه به سینه از گذشته به یادگار مانده است



شکل ۱ نقش پرنده

۶-۵_ نقش پرچم

«این نقش که تداعی کننده مدرسه و نشانه ای از تحصیل در بین عشایر است با سه رنگ مختلف که برگرفته از خود پرچم است بر روی دست بافته ها نقش بسته است چنانچه به صورت تک رنگ و اریب بافته شود در بین مردم منطقه به اسم یال که برگرفته از موهای پشت گردن الاغ است گرفته شده است. (شکل ۲) و چنانچه به صورت تکرار دو به دو به چسبیده باشند کتابی نامیده می شوند.» (فریدونی، ۱۳۷۷، ص ۱۵)



شکل ۲ نقش پرچم

۶-۶_ نقش لوزی

«تنوع و رنگ آمیزی این نقش در مناطق گلیم بافی به خصوص سادات محمودی بی نظیر است. حتی اگر این نقش از دیگر نقاط دیگر وارد شده باشد باز این نقش ریشه ای سنتی دارد. این نقش همان گونه که از نامش پیداست شکل (۳) به صورت شکل هندسی لوزی در کنار هم قرار گرفته و سطح گلیم را می پوشاند.» (فریدونی، ۱۳۸۷، ص ۸۲)



شکل ۳ نقش لوزی

۶-۷_ نقش گوشواره

«جزء نگاره های زندگی و نشانگر تمایل بافنده به ازدواج است. گوشواره (شکل ۴) از زیور آلات عروس و از هدایایی است که دریافت می کند.» (آلستر، ص ۷۷) «این نقش مایه نمایی ای بوده اما بعدساختاری نمادین به خود می گیرد و نشان دهنده ی آداب اجتماعی است و در واقع این نقش نمایی ای - نمادین است.» (تاشکیران، ۱۳۹۱، ص ۹۷)



شکل ۴ نقش گوشواره

۸-۶_ آرایه شیر

« بکاربردن شکل بصورت مختلف از زمان های بسیار قدیم در ایران معمول بوده است. شکل شیر در نقش برجسته های تخت جمشید و بسیاری از ظروف و منسوجات زمان ساسانیان حک شده است. در اغلب این موارد از شکل شیر برای نشان دادن شوکت و جلال سلطنت و قدرت و عظمت پادشاهان استفاده شده است. هم چنین در برخی از مهرهای زمان اشکانیان و ساسانیان این نقش دیده می شود. کار گذاشتن شیرهای سنگی روی قبرها نیز باید یکی از رسوم کهن و تاریخی باشد، چه در گذشته در بسیاری از نقاط ایران بخصوص در نزد ایلات بختیاری و لر و مردم آذربایجان رواج داشته است. (شکل ۵)



شکل ۵ نقش شیر

۹-۶_ نقش چهار پر

«این نقش معمولاً به صورت تک گل های جدا از هم در ترکیب بندی افقی و لوزی دیده می شود. نقش چهار پر در ترکیب بندی سفال های مکشوفه از شوش نیز دیده می شود. (شکل ۶) و بعید نیست این نقش ساده شده نقش چهار پر بوده و بر اثر مرور زمان تغییر کرده به صورت کنونی درآمده است.» (مرتضایی، ۱۳۷۸، ص ۸۱)



شکل ۶ نقش چهار پر

۱۰-۶_ نقش مایه چهاردستمالی

«در اسامی نقوش گلیم عدد چهار تقریباً بیشتر از دیگر اعداد در میان لر های شهرستان بویر احمد مورد استفاده قرار می گیرد.

(شکل ۷) مثل چهارپر، چهاردستمالی، چهار گوش (چهار گوشه) منشا چهار که از این نام گذاری برداشت می شود همان عناصر اربعه می باشد. اما دلیل نامگذاری این نوع نقش مایه چهار دستمالی را مردم بویر احمد نماد شادی و عروسی می دانند به طوری که هنوز هم از ابتدا تا انتهای مراسم عروسی دستمالی را که از جنس پارچه ظریف و رنگ های شاد (معمولاً هفت رنگ) می باشد و بروی دو عدد چوب که به شکل بعلاوه نصب می شود قرار می دهند و بروی پشت بام منزل صاحب جشن عروسی علم می کنند و هنگام رقص با دستمال دو نفر روبروی هم قرار می گیرند و با حرکت مشابه دستمال ها را از زمین به آسمان می برند و پایکوبی می کنند که به این نوع رقص چهاردستمالی



شکل ۷ نقش چهار دستمالی

گفته می شود وشادترین نوع رقص می باشد واین اصطلاح وقتی به صورت انتزاعی در گلیم بافته می شود دارای رنگ های شاد است.»(فریدونی، ۱۳۷۷ ص ۵۷)

۷- نتیجه گیری

گلیم بافی که یکی از هنرهای کاربردی و تزئینی ایرانی محسوب می گردد، از دیرباز به صورت سنتی به دست عشایر و روستائیان تولید شده است. از آنجایی که هر بافت های طبق آداب و رسوم منطق های تولید شده است بنابراین، میتواند معرف فرهنگ آن قوم و محل تولید آن باشد. آنچه در گام نخست محل بافت گلیم ها را مشخص مینماید، نوع طرح و نقش مایه های کاربردی در آنهاست. نقوشی که در حاشیه هر بافته استفاده می گردد، با نقوش متن آن متفاوت بوده که این تفاوت از فضای محدود حاشیه ها نشأت می گیرد، طبیعت پر نقش و نگار و پر از رنگ استان کهگیلویه و بویراحمد محمل زندگی عشایر این خطه می باشد و در کنار آن زندگی کوچ پایه به صورت بیلاق و قشلاق، دلیلی برای به کار گیری نقش ها و رنگ های گوناگون در دست بافته ها و دست ساخته های آنان شده است. طبیعت بکر، دشت های وسیع و پر از گل های رنگارنگ و متنوع، کوه های مرتفع، آبشاران روان و محیط پیرامون که در برگیرنده ی حیوانات و پرندگان وحشی و اهلی است در کنار حال و هوای ایلی اش تنوع نقوش و رنگ ها را دو صد چندان کرده است. حاصل این پدیده را می توان در هنرنمایی دختران و زنان ایل با حضور رنگ ها و نقش های گوناگون بر روی دست بافته ها مشاهده کرد. هنر این خطه بیشتر در صنایع دست بافت ظهور و بروز پیدا کرده است و لطافت روحی زنان بافته را می توان در انتخاب رنگ و نقش دست بافته ها حس کرد. روستائیان و زنان عشایر نقش و رنگی جز طبیعت بر بافته ی خود نمی زنند و نقش در هنر اینان بیشتر در دست بافته ها مشاهده می گردد. و دست بافته ها همان بازنمایی انتزاع گرایانه ی طبیعت پیرامون می باشند.

بعضی از نقوش نیز از دیگر استان های هم جوار که با عشایر این منطقه در ارتباط تنگاتنگ فرهنگی و اقتصادی می باشند به وام گرفته شده است که تعدادی از آن ها با دیگر نقش های این خطه تلفیق شده و منجر به خلق نقشی جدید گردیده است. با بررسی مفاهیم نمادهای مذکور، مشخص می گردد که بافندگان چند هدف را دنبال می کنند: ۱- بافت آنچه در محیط اطراف زیبا می بینند و در پی نشان دادن این زیبایی در بافته های خود برای زیباتر کردن آنها هستند. ۲- بافت حیوانات و لوازم کاربردی که در زندگی روزمره خود به آنها وابستگی داشته و جزئی از زندگی آنها محسوب می گردند. ۳- بافت عناصری به تسخیر درآوردن طبیعت نمادین که ریشه در باورهای قومی و قبیله ای افراد دارد که هدف از بافت آنها احتمال و دستیابی به امیال و آرزوهای آن و نیروهای آن و استفاده از برخی نقوش به عنوان طلسم جهت دفع نیروهای شر نظیر نیل به قدرت و شجاعت، استقامت، باروری، باران طلبی و حاصلخیزی، حیات و سرسبزی، طول عمر و تکامل. این اعتقادات ریشه در باورهای قومی و قبیله ای هر منطقه داشته و اغلب آنها از گذشته تا حال سینه به سینه حفظ گردیده اند.

۸- منابع

- افزای زاده، سید فیض الله، ترانه رنگ، ۱۳۹۱، اصفهان، بهتا پژوهش
- ام ، نوردن تاشکیران، مطالعه ی مفاهیم نمادین و نقش مایه ها بر روی گلیم، ۱۳۹۱، ترجمه مهدیه سلیمی بنی محمد افروغ ، شماره ۱۷۲
- پرهام، سیروس، دست بافت های عشایری و روستایی فارس، ۱۳۷۱، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر
- چیت سازیان، امیرحسین و همکاران (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی فرشینه های اروپا با گلیم ایران، فصلنامه علمی پژوهشی (۱۳)
- دست بافت های عشایری و روستایی فارس، جلد دوم، با همکاری سیاوش آزادی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر. تهران ۱۳۷۱، ص ۳۵.

- زیبایی های طبیعت دنا، اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان کهگیلویه و بویراحمد
- شروانی، مریم، پایاننامه بررسی نقوش در دست بافته های استان کهگیلویه و بویراحمد و کاربرد آن در گرافیک، ۱۳۸۹، دانشگاه فنی دخترانه شریعتی تهران
- فریدونی، علیمراد، رنگ و زندگی در استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۷۸، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد، تهران
- محمدزاده، درناز (۱۳۸۱). جمع آوری و مطالعه جایگاه نقوش حیوانی در بافته های گلیمی عشایر و بررسی امکان استفاده از آنها در ارائه پیام از طریق نقش گرافیکی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا (س)
- هانس ای. وولف، صنایع دستی کهن ایران، ۱۳۷۲، مترجم دکتر سیروس ابراهیم زاده چاپ اول
- مرتضایی، مراد رنگ در گلیم استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۸۵، آموزشکده فنی پسران شهید رجایی شیراز

Arrays and analysis of carpet motifs in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad provinces

Abstract

The people and artists of Kohgiluyeh and Boyrahed countries, like the natives of different regions and climates, according to the culture and environmental and climatic conditions of their place of residence, have different tastes in how to use patterns and colors in clothes, ornaments and also beautify their environment. apply In fact, the origin of these tastes and choices is the specific beliefs and beliefs of the natives of this region of Iran, which itself goes back to their way of life and their relationship with the surrounding nature, and it can be seen in the form of patterns and colors of Alvan in the handmade and traditional products of this country. . The patterns and colors used in the works and productions of this region are mostly inspired by the surrounding nature, which is finally manifested in the works by the native person's mental processing. Sometimes there are similarities between these patterns and the patterns used in the works left over from the century. and sometimes similarities with motifs used in the works produced in other regions can be seen, considering the mentioned cases and the extent of the motifs, an attempt was made to examine these items in the context of the motifs The work done in the carpet of this province should be paid. In this article, an attempt is made to consider the factors involved in the creation of local handwovens, such as nature, culture and customs, and by rooting the role and color in these works of art, the way of formation, change and semiotics of handlooms. It is a matter of work and with a careful and thoughtful look, I will analyze the colors and patterns in the hand woven fabrics of my hometown, especially the carpets of Boyer Ahmad region, and in this regard, the proximity and connection of these categories with nature or culture and customs and Reveal customs and analyze them.

Key words: Kohgiluyeh and Boyerahmad, Naqosh, Glim